

بیوت عدل و بیت عدل اعظم و مقام مقدس ولایت حضرت شوقی ربانی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (133) امر و خلق - جلد 4

۱۳۳ - بیوت عدل و بیت عدل اعظم و مقام مقدس ولایت حضرت شوقی ربانی

و در خطابی دیگر است قوله العزیز: " حضرت اعلیٰ صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابهی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زیر و الواح و ظهور مجلی طور در سدره سینا و ما عدا کل بنده آن آستانیم و احقر پاسبان ظهور منتهی بمکلم طور شد و تا هزار سال بل صد هزار سال این کور امتداد خواهد یافت مقصود این است که قبل از الف کسی سزوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام ولایت باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرح احکام غیر مذکورہ راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه و من یتعد بعد ذلک فاولئک هم الناعقون و اولئک هم الظالمون و اولئک هم الاعداء المبعضون زنهار زنهار نگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل شود بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکل فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود و بیت عدل اعظم بتربیت و نظامی که در انتخاب مجالس در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و



ORIGINAL

آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الا تأسیس مشروط بایمان جمیع ممالک نه مثلاً اگر وقتی مقتضی بود و فساد نداشت احبای ایران و کلائی انتخاب مینمودند احبای امریک و هندوستان و سائر جهات و کلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدل انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود و السلام سواد این مکتوب را باطراف بفرستید "

و در مفاوضات است قوله المحبوب: " بیت العدل عمومی اگر به شرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حق است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق آراء یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطاست حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیئات بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند " و قوله الجلیل: " اگر شخصی بدیگری تعدی نماید متعدی علیه باید عفو نماید اما هیئات اجتماعیه باید محافظه حقوق بشریه نماید "

و قوله العزیز: " از حکمت حواله بعضی احکام مهمه به بیت العدل سؤال نموده بودید اولاً اینکه این کور الهی صرف روحانی و رحمانی و وجدانی است تعلقی بجسمانی و ملکی و شئون ناسوتی چندان ندارد چنانکه دور مسیحائی نیز روحانی محض بود و در جمیع انجیل جز حکم منع طلاق و اشاره برفع سبب نبود جمیع احکام روحانی و اخلاق رحمانی بود چنانکه فرمودند ما جاء ابن الانسان لیبدن العالم حال این دور اعظم نیز صرف روحانی و معطی زندگی جاودانی است زیرا اس اساس دین الله تزیین اخلاق و تحسین صفات و تعدیل اطوار است و مقصود این است که کینونات محتجبه بمقام مشاهده فائز گردند و حقایق مظهره ناقصه نورانی شوند و اما احکام سائره فرع ایقان و ایمان و اطمینان و عرفان است با وجود این چون دور مبارک اعظم ادوار الهیه است لهذا جامع جمیع مراتب روحانیه و جسمانیه و در کمال قوت و سلطنت است لهذا مسائل کلیه که اساس شریعة الله است منصوص است ولی متفرعات راجع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغیر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای این اجرا مینماید و همچنین ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر ورأی خویش قراری دهند استغفر الله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت و قایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض مسلم و واجب متحتم بر کل است ابداً مفری از برای نفسی نه قل یا قوم ان بیت العدل الاعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایت و حفظه و کلائته لانه امر المؤمنین باطاعة تلک العصبته الطیبه الطاهره و الثلة القاهرة فسلطنتها ملکوتیه رحمانیه و احکامها الهامیه روحانیه باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیه به بیت العدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگر چه کلیه مسائل مهمه مذکور ولی البتہ یک کرور احکام غیر مذکور بود بعد علما بقواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرایع اولیه افراد علماء استنباطهای مختلف مینمودند و مجری میشد حال استنباط راجع به هیئات بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است

اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علماء حکماً اختلاف حاصل میشود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعة الله متزلزل گردد و امّا نکاح بکلی از احکام مدنیّه است و معذک در شریعة الله شروطی دارد و ارکانش واضح ولی اقتران اقارب غیر منصوص راجع به بیت العدل است که بقواعد مدنیّت و مقتضای طبّ و حکمت و استعداد طبیعت بشریّه قراری دهند و شبهه‌ای نیست که بقواعد مدنیّه و طبابت و طبیعت جنس بعید اقرب از جنس قریب و نظر باین ملاحظه در شریعت عیسویّه با وجود آنکه نکاح اقارب فی الحقیقه جائز چه که منعش منصوص نه معذک مجامع اولیه مسیحیّه بکلی ازدواج اقارب را تا هفت پشت منع کردند و الی الان در جمیع مذاهب عیسویّه مجری زیرا این مسأله صرف مدنی است باری آنچه بیت العدل در این خصوص قرار دهند همان حکم قاطع و صارم الهی است هیچکس تجاوز نتواند چون ملاحظه نمائید مشهود گردد که این امر یعنی ارجاع احکام مدنیّه به بیت عدل چقدر مطابق حکمت است زیرا وقتی مشکلی حاصل گردد که امر الجائی در مسأله رخ گشاید آنوقت بیت العدل چون قرار سابق را داده بود باز بیت العدل خصوصی بجهت الجاءات ضروریّه میتواند در مورد و موضوع مخصوص امر جدید خصوصی صادر نماید تا رفع محذور کلی شود زیرا آنچه را بیت العدل قرار دهد نسخ نیز تواند در قرآن نیز مسأله تعزیر بوده که راجع باراده اولی الامر بوده نصوص در درجات تعزیر نبود مرهون و منوط برای ولی امر و آن تعزیر از درجه عتاب تا درجه قتل بوده که مدار سیاست در ملت اسلام اکثر بر این بود باری این کور اعظم اساسش بر نهجی گذاشته شده است که احکامش مطابق و موافق جمیع اعصار و دهور چون شرایع سلف نه که حال اجرائش ممتنع و محال است مثلاً ملاحظه نمائید که احکام تورات الیوم بهیچوجه اجرائش ممکن نه چه که ده حکم قتل در آن موجود و همچنین بموجب شریعت فرقان بجهت ده درم سرقت دست بریده میشود حال این حکم ممکن لا والله و امّا این شریعت مقدسه الهیه موافق جمیع اوقات و ازمان و دهور و کذلک جعلناکم امّةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً"

و نیز در نصوص وصایا قوله العزیز: "ای یاران با وفای عبدالبهاء باید فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره رحمانیه شوقی افندی را نهایت مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز بروز فرح و سرور و روحانیتش زیاد گردد تا شجره بارور شود زیرا او است ولی امر الله بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احببای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه باو کنند من عصی امره فقد عصی الله و من اعرض عنه فقد اعرض عن الله و من انکره فقد انکر الحق... ای احببای الهی باید ولی امر الله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد و شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد لهذا اگر ولد بکر ولی امر الله مظهر الولد سرّیه نباشد یعنی از عنصر روحانی او نه و شرف اعراق بأحسن اخلاق مجتمع نیست باید غضن دیگر را انتخاب نمایند و ایادی امر الله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند و همیشه بخدمات مهمه ولی امر الله مشغول باشند و انتخاب این نه نفر یا باتفاق مجمع

ایادی و یا با کثرت آراء تحقق یابد و این نه نفر بالاتفاق یا با کثرت آراء باید غصن منتخب را که ولی امر الله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدق و غیر مصدق معلوم نشود

و قوله العزیز: " ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امر الله و احبای جمال ابهی توجّه بفرع دو سدره که از شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیه الله و غصن ممتاز و ولی امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله و احبای الله است و مبین آیات الله و من بعده بکراً بعد بکریعی در سلاله او و فرع مقدس و ولی امر الله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و حمایت جمال ابهی و حراست و عصمت فائز از حضرت اعلی روحی لهما الفداء است "

و قوله الجلیل: " اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کلّ خیر و مصوناً من کلّ خطاء باید بانتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند این مجمع مرجع کلّ امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهیه موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد و ولی امر الله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لا ینعزل و اگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود نائب و وکیل تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضاء گاهی ارتکاب نماید که در حقّ عموم ضرری حاصل شود ولی امر الله صلاحیت اخراج او را دارد بعد ملت شخص دیگر انتخاب نماید این بیت عدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوه بنیاد عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنّة النعم و بهشت برین شود "

و قوله الحکیم: " حکم مفروض و امر واجب آن است که از قلم اعلی صادر و یا بقرار بیت العدل عمومی حاصل گردد اما ما مأموریم نه امر مکلفیم نه مکلف هذا حقیقة شریعة الله و اساس دین الله و اما در خصوص بیت العدل خواه عمومی و خواه غیر عمومی عزل بعضی افراد بقرار بیت العدل گردد نه بطلب اشخاصی از ملت مگر باثبات ذنب و ظلم و گناه و اما اکثریت آراء در جمیع بیوت عدل مقبول و قلت آراء غیر مقبول و غیر مشروع "

و در ضمن خطابی به طهران حضرت ایادی ابن ابهر علیه بهاء الله قوله الجلیل: " در خصوص تشکیل بیت عدل منتظر وقت مساعد باشید بهمان قسم که از پیش مرقوم شد باید در نهایت حکمت و سکون و تأنی شیئاً فشیئاً مجری دارید تا مبادا این مسئله سبب وحشت قلوب گردد و حقیقت حال را ندانند و گمان اجتماع کنند و مفسدین به تحریک پردازند و فساد کلی پیش آید خیلی احتیاط دارد بسیار باید ملاحظه نمود زیرا اعدا در کمینند

این است که این عبد بکرات و مرّات تأکید نموده که بیش از نه نفر در محلی اجتماع ننمایند دیگر معلوم است که تشکیل بیت العدل ، محفل روحانی چقدر مشکل است زهار زهار نوعی نمائید که سبب اوهام شود و بیش از این تأکید نتوان نمود "